

کجا آرام گیرم من؟!

محمود سیف

www.ketab.ir



انتشارات پرسک

۱۳۰۰



انتشارات پریسک

کجا آرام گیرم من؟! محمود سیف

سرشناسه
عنوان و نام پدیدآور
مشخصات نشر
مشخصات ظاهری
شابک
وضعیت فهرست نویسی : فیبا
موضوع
موضوع
رده بندی کنگره
رده بندی دیویی
شماره کتابشناسی ملی
وضعیت رکورد

: سیف بختیاری، محمود، ۱۳۴۶-
: کجا آرام گیرم من؟! / محمود سیف بختیاری.
: خرم‌آباد: پریسک، ۱۴۰۰.
: ۱۳۶ ص.
: ۹۷۸-۶۳۲-۹۷۸۴۵-۲-۲
: شعر فارسی-- قرن ۱۴
: Persian poetry ۲۰th century
: PIR ۸۲۴۸
: ۸۱۶/۶۲
: ۷۵۵۳۴۶۶
: فیبا

ناشر: انتشارات پریسک،
۰۹۳۰۸۶۵۶۰۳۷
شمارگان: ۵۰۰ نسخه، چاپ اول ۱۴۰۰
مدیر هنری: امین رحبیان
صفحه‌آرا: راهبه خوشنود
طراح جلد: شاهین صالح
چاپ و صحافی: مهرگان
شابک: ۹۷۸-۶۳۲-۹۷۸۴۵-۲-۲
periskpub@gmail.com
بهاء: ۴۰۰۰۰ تومان

بخش در:

فروشگاه اینترنتی کتاب پریسک: shop.
iranpoetry.ir

همراه: ۰۹۱۶۶۶۶۶۰۳۷ - ۰۹۳۰۸۶۵۶۰۳۷



مقدمه:

قسم به خالق قلم و بیان، اویی که یاد داد نوشتن را با قلم.

شعر با قدمت انسان قرین و عجین است، به گونه‌ای که گفته‌اند: اولین کسی که در عالم شعر گفت، آدم علیه‌السلام بود و سبب آن که هابیل مظلوم را قایل بکشت و آدم را داغ غربت و ندامت تازه شد و در مذمت دنیا و مرثیه فرزند شعر گفته است. (تذکره الشعراء دولتشاه سمرقندی) در باب اولین شعر و شاعر سخن‌ها گفته شده که به برخی فهرست‌وار اشاره می‌شود. برخی «آنهدوانا» دختر سارگون پادشاه بزرگ اکاد را که ۲۳۰۰ سال قبل از میلاد می‌زیسته را اولین زن شاعر و نویسنده دانسته‌اند و عده‌ای نیز بهرام گور را اولین شاعر، و او پس از آن که به پادشاهی رسید، روحانیون زردشتی وی را از سرودن بازداشتند و گفتند که شعر گفتن از عیب‌های پادشاهان است زیرا اساس آن بدروغ است.

برخی کیخسرو از شاهان کیانی را اولین شاعر می‌دانند، بر اساس نظر صاحبان اندیشه، این نمونه‌ها بیشتر به افسانه شایسته دارد. در این راستا، هرچند که از دوره باستان یعنی سلسله‌ی هخامنشیان و قبل از آن به جزء سنگ‌نوشته‌ها و بخشی از اوستا آثار مکتوبی باقی نمانده است، اما بعد از این دوره تا اواخر دوره ساسانیان آثار زیادی به جای مانده که ادیبان نشانه‌هایی از حضور شعر دیده‌اند چرا که در بعضی آثار آهنگین و موزون به چشم می‌خورد. در هر حال این بیت را که منتسب به بهرام گور است اولین شعر فارسی می‌دانند: «منم آن شیر شلبنه منم آن ببر یله»

به نظر می‌رسد که اگر سروده‌های «مانی» و «اوستا» را کنار بگذاریم، عملاً از قرن ۳ و ۴ به بعد، شعر با به عرصه ظهور گذاشت که در تاریخ سیستان از آن سخن به میان آمده است. این شعر به زبان پارسی دری را یکی از سرایندگان در دربار یعقوب لیث به نام محمد وصیف سگری سروده که با این بیت آغاز می‌شود:

«ای امیری که امیران جهان خاص و عام بنده و چاکر و مولا و سگ بند و غلام»

بحث از چیستی شعر بسیار دشوار و به اعتباری غیرممکن است چرا که با وجود زمان طولانی که از پیدایش شعر می‌گذرد و آن نیز به اندازه عمر آدمی است و با

خلق زبان و در نهایت خط عجین شده است، اما تعریف جامع و مانعی از شعر در دست نیست.

رضا براهنی در کتاب «طلا در مس» می‌نویسد: تعریف شعر کار بسیار مشکلی است و شاید بشود گفت که شعر تعریف ناپذیرترین چیزی است که وجود دارد. شمس قیس رازی نیز در «المعجم فی معاییر اشعار العجم» می‌نویسد: شعر سخنی است اندیشیده، مرتب، معنوی، موزون، متکرر، متساوی، حروف آخر آن به یک دیگر مانند. در این تعریف به چهار عنصر اندیشه، وزن، قافیه و زبان اشاره دارد. در جایی دیگر آمده که: شعر سخن موزونی است که از گره‌خوردگی عاطفه و خیال برخاسته باشد و در آدمی انفعالی پدید آورد، اندیشه را پرواز دهد، احساس را نوازش کند و نماینده‌ی شور و حال و گزارنده روح شاعر باشد. با این شرح، شعر جهان را نه آن چنان که هست، بلکه آن گونه که آدمی می‌خواهد و مشتاقانه آرزو می‌کند، می‌نمایاند. پس می‌توان نتیجه گرفت که، هر سخن موزونی شعر نیست، چنان که به هر سخن عاطفی نیز به سبب عاطفی بودن آن شعر نمی‌گویند. در بیان ویژگی‌های شاعر نیز نظامی عروضی می‌گوید: شاعر باید سلیم الفطره، عظیم الفکره، صحیح الطبع، جید الرویه، دقیق النظر، باشد. یعنی پاک سرشت، بزرگ اندیشه، درست قریحه، نیکو تفکر و بار یک سخن و در نهایت شاعر باید که در مجلس محاورت خوش گوی و مجلس معاشرت خوش روی باشد.

با تعاریفی که گذشت می‌توان چنین نتیجه گرفت که بایستی: شعر را زبان الهی پنداشت، چرا که نزدیک‌ترین کلام به وحی است. شعر راستین یک الهام آسمانی است. در حقیقت شهابی است که گه‌گاه در آسمان خیال و عاطفه می‌درخشد و آنانی که از این شهاب چراغی می‌افروزند و آن را در پیکر زبان جان می‌بخشند، شاعر هستند. حال می‌خواهم از دیدگاه خودم و با استناد به قرآن یک تقسیم‌بندی از شعر و شاعران داشته باشم، هر چند که جای نقد و بررسی را نمی‌بندم و انتظار دارم که صاحب‌نظران بر شکوفایی و پربارتر کردن آن با نظرات انتقادی و سازنده خود بیافزایند.

به‌نظر می‌رسد می‌توان با استناد به آیات قرآن دو نوع شعر و شاعر را از هم باز شناساند. اول شعری که منشاء الهی، اخروی، معنوی و روحانی دارد و انسان را به عرش می‌رساند و شعری که جنبه شیطانی، دنیوی، مادی و جسمانی دارد و انسان را همچنان فرشی نگه خواهد داشت.